

# مقایسه فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی

مجید عباسی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی دانشگاه تهران

عادل رفیعی

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

(از ص ۵۷ تا ص ۷۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۴/۱۰

## چکیده

در این مقاله، فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته و سعی می‌شود با بررسی و مقایسه تعداد مشخصی واژه مستخرج، تصویری از میزان و چگونگی عملکرد فرایند اشتقاق در دو گونه مورد بررسی به دست داده شود. برای این منظور پس از استخراج واژه‌های مشتق متعلق به دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی و تجزیه و تحلیل آنها مشخص می‌شود اولاً نظام واژه‌سازی اشتقاقی در هر دو گونه مورد بررسی بیشتر از چه نوع وندهایی بهره می‌گیرد، ثانیاً میزان استفاده از وندهای اشتقاقی مختلف در این دو گونه چگونه است و ثالثاً در مواقعی که به لحاظ صوری یک وندها وجود دارد یا خیر. در تعیین چگونگی عملکرد وندها از مدل معنایی لیبر (۲۰۰۴) که توسط رفیعی (۱۳۸۷) بازبینی شده و در بررسی پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی به کار رفته، استفاده شده است. یافته‌های حاصل از بررسی عملکرد فرایند اشتقاق در دو گونه مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا در نهایت وجوه افتراق و اشتراکشان مشخص شود. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود برخی شباهت‌ها، فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی در حوزه‌های یاد شده دارای تفاوت‌های قابل توجهی است.

**واژه‌های کلیدی:** اشتقاق، گونه علمی، گونه محاوره‌ای، اسکلت معنایی، بدنه معنایی

## ۱- مقدمه

در میان فرایندهای واژه‌سازی رایج در زبان فارسی، فرایند اشتقاق- در کنار فرایند ترکیب- از اهمیت زیادی برخوردار است به طوری که بخش عمده‌ای از واژه‌های موجود در گونهٔ محاوره‌ای<sup>۱</sup> و گونهٔ علمی<sup>۲</sup> زبان حاصل این دو فرایند است (عباسی ۱۳۹۰:۱). برخی از زبان‌شناسان از جمله حق‌شناس (۱۳۷۹:۲۷)، و باطنی (۱۳۷۲:۲۲۳) فرایند اشتقاق را مهم‌ترین فرایند واژه‌سازی زبان فارسی می‌دانند. حق‌شناس معتقد است فرایند اشتقاق به این دلیل که قاعده‌مند بوده و کاملاً متکی بر مجموعه‌ای از قواعد و اصول است می‌تواند در مقام نظر تا بی‌نهایت واژه در اختیار گویشوران قرار دهد.

با در نظر گرفتن اهمیت فرایند مذکور در نظام واژه‌سازی زبان فارسی، در پژوهش حاضر عملکرد این فرایند در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای زبان فارسی به صورت مقایسه‌ای بررسی می‌شود. تفاوت در نحوه عملکرد فرایند اشتقاق در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای زبان فارسی مورد توجه برخی زبان‌شناسان قرار گرفته است. از جمله این زبان‌شناسان می‌توان به سمائی (۱۳۸۵:۲۲۰) اشاره کرد. سمائی در مقاله خود با عنوان «یای نسبت در زبان علم و زبان عامیانه» به بررسی تفاوت کاربرد یای نسبت، به عنوان پرکاربردترین وند، در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای زبان فارسی می‌پردازد. سمائی کاربرد اصلی یای نسبت در دو گونهٔ مذکور را ساختن صفت می‌داند. وی در مورد اختلاف کاربرد این پسوند در دو گونه به دو مورد اشاره می‌کند. نویسنده مقاله اولین تفاوت را در دامنه کاربرد این پسوند در زبان علم و زبان عامیانه می‌داند و می‌نویسد «در زبان علم اختیار معنایی نامحدودی برای ساختن اصطلاحات علمی با یای نسبت وجود دارد.» سمائی تفاوت دوم کاربرد یای نسبت در زبان علم و زبان عامیانه را در شیوهٔ کاربرد می‌داند، به این معنی که این پسوند در زبان عامیانه علاوه بر کاربرد متعارف خود به چند صورت دیگر نیز به کار می‌رود از جمله ساختن اسم از اسم، ساختن اسم از صفت و برای سهولت تلفظ.

در پژوهش حاضر پس از استخراج تعداد قابل ملاحظه‌ای واژه مشتق متعلق به دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای زبان فارسی، این واژه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند تا مشخص شود اولاً نظام واژه‌سازی اشتقاقی در هر یک از دو گونهٔ مورد بررسی از چه وندهایی بهره می‌گیرد،

<sup>۱</sup>. colloquial variety

<sup>۲</sup>. scientific variety

ثانیاً میزان استفاده از وندهای اشتقاقی مختلف در این دو گونه چگونه است و ثالثاً در مواقعی که یک وند در هر دو گونه مورد استفاده قرار گرفته باشد چه تفاوت یا تفاوت‌هایی در نقش و عملکرد آن وجود دارد. در ادامه ابتدا به چارچوب نظری و روش کار اشاره می‌شود، سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. در نهایت یافته‌های پژوهش در بخش جمع‌بندی به دست داده می‌شوند.

## ۲- چارچوب نظری و روش کار

در تعیین چگونگی عملکرد وندهای به کار رفته در واژه‌های مشتق مورد بررسی، از مدل معنایی لیبر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) استفاده شده است که رفیعی (۱۳۸۷) با اعمال برخی تغییرات از آن در توصیف اشتقاق پسوندی زبان فارسی استفاده کرده است. رفیعی (۱۳۸۷) معانی و حوزه عملکرد ۳۴ پسوند اشتقاقی زبان فارسی را مشخص ساخته است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در مدل معنایی اسکلت-بدنه لیبر (۲۰۰۴) برای معنای واحدهای واژگانی زبان دو سطح معنایی در نظر گرفته می‌شود: سطح اول سطحی است به نام اسکلت معنایی<sup>۲</sup> که نظام دستوری زبان نسبت به آن حساس است و سطح دوم سطحی است به نام بدنه معنایی<sup>۳</sup>. نظام دستوری زبان نسبت به سطح دوم حساس نیست و این سطح تنها باعث ایجاد تمایز بین واژه‌هایی می‌شود که از اسکلت معنایی یکسانی برخوردارند. سطح اسکلت معنایی با استفاده از تعداد محدودی مؤلفه معنایی<sup>۴</sup> قابل توصیف می‌باشد. این مؤلفه‌ها به صورت میان‌مقوله‌ای به کار می‌روند<sup>۵</sup>. ویژگی میان‌مقوله‌ای بودن این مؤلفه‌ها باعث می‌شود که بتوان به کمک تعداد محدودی از این مؤلفه‌های معنایی واژه‌های متعلق به مقولات نحوی/معنایی مختلف را توصیف کرد (رفیعی ۱۳۸۷: ۷۶). در این مدل وندهای اشتقاقی زبان نیز همچون واژه‌های بسیط دارای اسکلت معنایی هستند اما برخلاف آنها فاقد بدنه معنایی می‌باشند. در پژوهش حاضر جدول

<sup>۱</sup> Lieber, R (2004)

<sup>۲</sup> semantic skeleton

<sup>۳</sup> semantic body

<sup>۴</sup> semantic features

<sup>۵</sup> مؤلفه‌های مورد استفاده رفیعی (۱۳۸۷) عبارتند از: [± ماده]، [± پویا] و [± فضا].

زیرمقوله‌های دستوری و متعاقباً نوع اسکلت معنایی وندهای اشتقاقی ارائه شده توسط رفیعی (۱۳۸۷) در توصیف داده‌های استخراج شده به کار گرفته شده است.<sup>۱</sup>

برای جمع‌آوری داده‌های گونه علمی ابتدا سه حوزه اصلی علوم در نظر گرفته شدند: علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی و فنی مهندسی. سپس برای هر حوزه، سه رشته علمی، و برای هر رشته چند اثر رایج و پرکاربرد آن رشته انتخاب شد. این آثار عبارتند از: دبیرمقدم (۱۳۸۳)، زاهدی (۱۳۷۹)، و آشفته‌تهرانی (۱۳۷۲) برای گروه علوم انسانی، زارع مایوان (۱۳۷۹)، حیدریان (۱۳۷۰) و صیرفیان (۱۳۸۶) برای گروه علوم تجربی، و مسعودکی‌نیا (۱۳۷۰)، هوشمند (۱۳۸۸)، محمدی‌حسن‌آبادی (۱۳۷۵)، و گندمی (۱۳۸۴) برای گروه علوم ریاضی و فنی مهندسی. پس از انتخاب کتاب‌های مورد نظر، تعداد ۶۰ واژه پیچیده از واژه‌نامه انتهایی هر کتاب به صورت تصادفی انتخاب شدند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب مجموعاً تعداد ۵۴۰ واژه برای گونه علمی زبان فارسی استخراج شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از واژه‌نامه‌های انتهایی کتاب‌های مورد بررسی، از روش انتخاب تصادفی استفاده شد.

در جمع‌آوری داده‌های گونه محاوره‌ای نیز از فرهنگ ۸ جلدی انوری (۱۳۸۱) استفاده شده است؛ به این صورت که با بررسی فرهنگ بزرگ سخن واژه‌هایی را که در مقابل آنها کلمه «گفتگو» در داخل قلاب درج شده بود را انتخاب و در فهرست داده‌های گونه محاوره‌ای زبان فارسی ثبت کردیم. به این ترتیب برای گونه محاوره‌ای نیز مجموعاً ۵۴۰ واژه استخراج گردید.

### ۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش با تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده، به بررسی و مقایسه فرایند واژه‌سازی اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی می‌پردازیم.

از مجموع ۵۴۰ واژه‌ای که برای گونه علمی استخراج شده است، ۳۳۴ واژه محصول فرایند اشتقاق می‌باشد و در مقابل از ۵۴۰ واژه مربوط به گونه محاوره‌ای تنها ۱۶۵ واژه به کمک فرایند اشتقاق ساخته شده است. ۵۸۱ واژه باقیمانده به کمک فرایندهای دیگر واژه‌سازی ساخته شده‌اند.

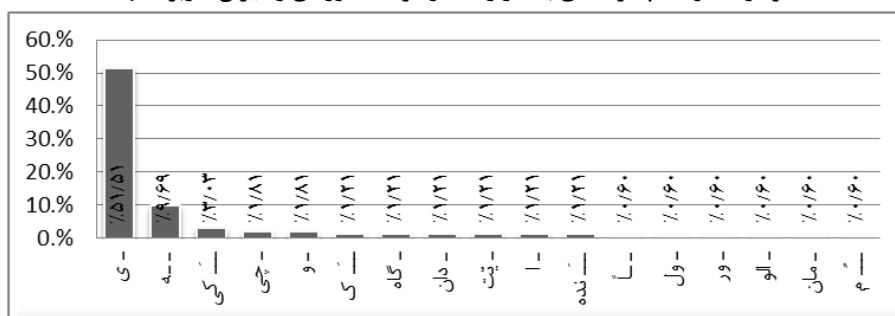
<sup>۱</sup>. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان به رفیعی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) مراجعه کرد.

<sup>۲</sup>. از هر منبع مشخصاً ۶۰ واژه استخراج شده است، اما در مورد دو منبع سوم و چهارم از گروه علوم ریاضی و فنی مهندسی، به دلیل محدود بودن فهرست واژگان مجموعاً ۶۰ واژه به همان شیوه‌ای که واژه‌های دیگر منابع به دست آمده‌اند، استخراج شد؛ با این توضیح که به ترتیب ۴۱ واژه از کتاب «جبر» و ۱۹ واژه از کتاب آخر یعنی «آمار کاربردی» به دست آمد.

اولین نکته‌ای که در مقایسه فرایند اشتقاق در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی جلب توجه می‌کند میزان کاربرد این فرایند در دو گونه است. در گونه علمی زبان فارسی ۶۱/۸۵٪ واژه‌ها به کمک فرایند اشتقاق ساخته شده‌اند در حالی که در گونه محاوره‌ای زبان فارسی تنها ۳۰/۵۵٪ واژه‌ها به کمک این فرایند به دست آمده‌اند. این بدان معناست که فرایند اشتقاق در گونه علمی دو برابر فعال‌تر از گونه محاوره‌ای بوده است.

وندهای به کار رفته در ساخت واژه‌های مشتق در دو گونه، دومین موضوعی است که مورد بررسی قرار گرفته است. برای ساخت ۱۶۵ واژه مشتق گونه محاوره‌ای مجموعاً ۲۳ وند اشتقاقی به کار رفته است که ۶ مورد آن پیشوند و ۱۷ مورد دیگر پسوند می‌باشند. در گونه علمی نیز مجموعاً ۳۲ وند اشتقاقی در ساخت ۳۳۴ واژه به کار رفته است که از این جمع ۲۳ مورد پسوند و ۹ مورد پیشوند می‌باشند. در نمودار زیر پسوندهای به کار رفته در گونه محاوره‌ای به همراه میزان کاربرد آنها به دست داده شده است:

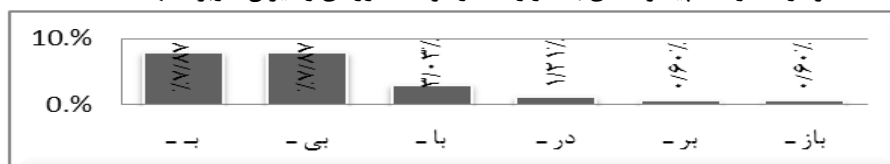
نمودار شماره ۱) پسوندهای به کار رفته در گونه محاوره‌ای و میزان کاربرد آنها



طبق این نمودار مجموعاً ۷۱/۷۸٪ واژه‌های مشتق گونه محاوره‌ای به کمک پسوندافزایی ساخته شده‌اند. نکته قابل توجه در این نمودار تفاوت چشمگیر در میزان کارکرد این وندهاست. همان‌طوری که مشخص است، پسوند «ـی» بیشترین سهم را در واژه‌سازی اشتقاقی این گونه به خود اختصاص داده است، به طوری که ۵۱/۵۱٪ کل واژه‌های مشتق به کمک این پسوند ساخته شده‌اند. پسوند «ـه» جایگاه دوم را اشغال کرده و سهمی معادل ۹/۶۹٪ را به خود اختصاص داده است. پسوندهای بعدی طبق نمودار به ترتیب عبارتند از: «ـکی» با ۵ واژه، «ـچی» و «ـو» هر کدام با ۳ واژه، «ـک»، «ـگاه»، «ـدان»، «ـیت»، «ـا» و «ـنده» هر کدام با ۲ واژه و مابقی پسوندها یعنی «ـل»، «ـول»، «ـور»، «ـالو»، «ـمان» و «ـم» هر کدام با ۱ واژه. با این توضیح مشخص می‌شود بخش عمده‌ای از واژه‌های مشتق این گونه (۶۱/۲٪) حاصل عملکرد تنها ۲ پسوند است و ۱۵ پسوند دیگر تنها ۱۷/۵۱٪ کل واژه‌های

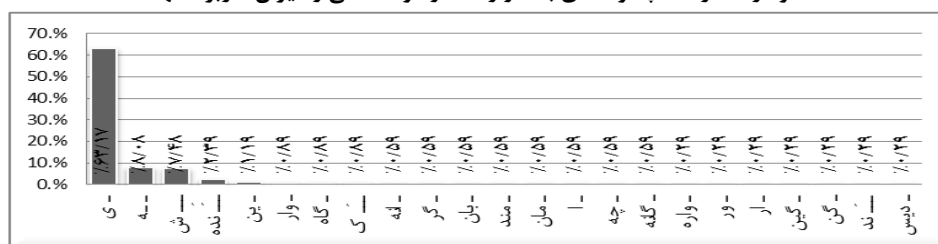
مشق گونه محاوره‌ای را به دست می‌دهند.<sup>۱</sup> حال نگاهی می‌اندازیم به پیشوندهایی که در ساخت واژه‌های مشتق گونه محاوره‌ای به کار رفته‌اند:

نمودار شماره ۲) پیشوندهای به کار رفته در گونه محاوره‌ای و میزان کاربرد آنها



همان طور که مشاهده می‌شود در ساخت ۱۶۵ واژه مشتق از ۵۴۰ واژه گونه محاوره‌ای تنها ۶ پیشوند شرکت داشته‌اند که مجموعاً ۳۵ واژه مشتق از این ۶ پیشوند در این گونه ساخته شده است. در این میان سهم پیشوند «ب-» از ۱۰۰٪ واژه‌های مشتق گونه محاوره‌ای تنها ۷/۸۷٪ بوده است. پیشوند بعدی پیشوند «بی-» می‌باشد که وضعیتی مشابه پیشوند «ب-» دارد. بنابراین در بین پیشوندهای گونه محاوره‌ای دو پیشوند «ب-» و «بی-» بیشترین سهم را در ساخت واژه‌های مشتق داشته‌اند و به طور متوسط ۲۶ واژه از ۱۶۵ واژه مشتق گونه محاوره‌ای از طریق به‌کارگیری این دو پیشوند حاصل شده‌اند. باقی پیشوندها، یعنی پیشوندهای «با-»، «در-»، «بر-» و «باز-» به ترتیب هر کدام با ۵ واژه، ۲ واژه، ۱ واژه و ۱ واژه پیشوندهای بعدی را تشکیل می‌دهند.<sup>۲</sup> تا به اینجا وضعیت بسامد پسوندها و پیشوندهای گونه محاوره‌ای را بررسی کردیم. حال می‌پردازیم به گونه علمی زبان فارسی و وندهایی که در ساخت واژه‌های مشتق این گونه زبانی نقش دارند. نمودار شماره ۳) پسوندهای به کار رفته در گونه علمی و میزان کاربرد آنها را نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۳) پسوندهای به کار رفته در گونه علمی و میزان کاربرد آنها



<sup>۱</sup> بدیهی است که ۲۱/۱۸٪ باقیمانده حاصل پیشوندافزایی‌اند که در نمودار بعدی بدان پرداخته شده است.

<sup>۲</sup> مجموع میزان کاربرد پسوندها و پیشوندها براساس دو نمودار فوق در گونه محاوره‌ای ۹۹/۸۹٪ می‌باشد و ۱۰۰٪ نبودن این رقم به این دلیل است که در محاسبه میزان کاربرد وندها، برای سهولت کار، تنها تا دو رقم اعشار محاسبه گردیده است. موارد مشابه این در نمودارها و جدول‌های بعدی نیز صادق است.

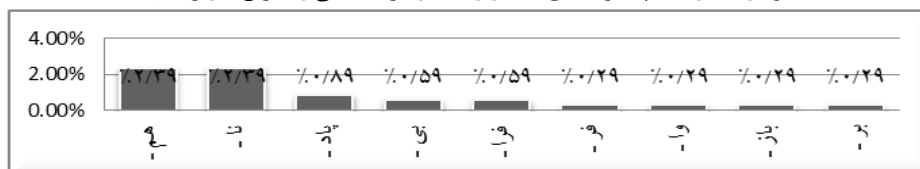
طبق این نمودار از ۳۲ وند به کار رفته در اشتقاق واژه‌های مشتق گونه علمی مجموعاً ۲۳ مورد از نوع پسوند می‌باشد. در میان پسوندهای گونه علمی سهم پسوند «-ی»، همچون گونه محاوره‌ای، از باقی پسوندها بیشتر است به طوری که به تنهایی ۶۳/۱۷٪ واژه‌های مشتق گونه علمی را به دست داده است. «پسوند -ه» دومین رتبه را به خود اختصاص داده و ۸/۰۸٪ واژه‌های مشتق گونه علمی به کمک این پسوند ساخته شده است. پسوند دیگری که به لحاظ میزان کاربرد فاصله چندانی با «-ه» ندارد، پسوند «-ش» می‌باشد.

این پسوند در ساخت ۷/۴۸٪ واژه‌های مشتق گونه علمی حضور داشته است. پسوندهای دیگر گونه علمی، در مقایسه با ۳ پسوند اخیر، سهم اندکی در ساخت واژه‌های مشتق در این گونه داشته‌اند، به این صورت که ۲۰ پسوند باقی‌مانده مجموعاً تنها ۱۳٪ واژه‌های مشتق گونه علمی را به دست داده‌اند. این پسوندها عبارتند از:

«-نده»، «-ین»، «-وار»، «-گاه»، «-ک»، «-انه»، «-گر»، «-بان»، «-مند»، «-مان»، «-ا»، «-چه»، «-گانه»، «-واره»، «-ور»، «-ار»، «-گین»، «-گن»، «-ند» و «-دیس». سهم هرکدام از این پسوندها از ساخت واژه‌های مشتق در گونه علمی به ترتیب عبارت است از ۸ واژه، ۴ واژه، ۳ واژه، ۳ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه، ۲ واژه و بالاخره ۷ پسوند اخیر هرکدام ۱ واژه ساخته‌اند.

پس از پسوندهای گونه علمی حال نمودار پیشوندهای به کار رفته در این گونه و میزان کاربرد آنها را به دست می‌دهیم:

نمودار شماره ۴) پیشوندهای به کار رفته در گونه علمی و میزان کاربرد آنها



از ۳۲ وند دخیل در ساخت واژه‌های مشتق گونه علمی تنها ۹ مورد آن پیشوند هستند و ۲۳ وند دیگر پسوند می‌باشند. ۹ پیشوند مذکور مجموعاً ۸/۰۱٪ واژه‌های مشتق این گونه را به دست داده‌اند. پیش‌تر وضعیت مشابه این را در گونه محاوره‌ای زبان فارسی نیز شاهد بودیم. این امر نشان می‌دهد که در نظام واژه‌سازی زبان فارسی به طور کلی پسوندافزایی فعال‌تر از پیشوندافزایی است. از میان پیشوندهای گونه علمی دو پیشوند «هم-» و «نا-» در ساخت تعداد بیشتری واژه شرکت داشته‌اند و هر یک از این پیشوندها حدود ۲/۳۹٪ واژه‌های مشتق گونه علمی را به دست داده است. باقی پیشوندهای گونه علمی مجموعاً ۳/۲۳٪ واژه‌های مشتق این

گونه را ساخته‌اند. نکته مهمی که در بررسی وندهای به کار رفته در دو گونهٔ زبان فارسی مشاهده می‌شود این است که نوع وندهای به کار رفته در گونهٔ علمی تا حدودی با نوع وندهای به کار رفته در گونهٔ محاوره‌ای متفاوت است. این بدان معنی است که ابزارهای به کار رفته در فرایند اشتقاق در دو گونهٔ مورد بررسی دارای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای است.

البته برخی از وندها مشترکاً در هر دو گونه کاربرد داشته‌اند که ما آنها را در زیر فهرست خواهیم کرد، اما نکته اینجاست که از مجموع ۵۵ وندهی که در این دو گونه در ساخت واژه‌های مشتق نقش‌آفرینی کرده‌اند تنها ۱۱ وند (اعم از پیشوند و پسوند) به صورت مشترک در هر دو گونه کاربرد داشته‌اند. این وندها عبارتند از: «-ی»، «-ه»، «-نده»، «-گاه»، «-ک»، «-مان»، «-ا»، «-ور»، «-بی»، «-باز»، «-بر»، «-وندهایی که تنها در گونهٔ علمی به کار رفته‌اند عبارتند از: «-ش»، «-ین»، «-وار»، «-انه»، «-گر»، «-بان»، «-ند»، «-چه»، «-واره»، «-ار»، «-گین»، «-گین»، «-ند»، «-دیس»، «-گانه»، «-هم»، «-تا»، «-پاد»، «-فرا»، «-فر» و «-وا». به همین ترتیب وندهایی که در گونهٔ محاوره‌ای به کار گرفته شده‌اند اما در گونهٔ علمی کاربردی نداشته‌اند عبارتند از «-کی»، «-چی»، «-و»، «-دان»، «-یت»، «-ل»، «-ول»، «-الو»، «-م»، «-ب»، «-با» و «-در».

بر اساس مشاهدات فوق می‌توان یکی از عمده تفاوت‌های فرایند اشتقاق در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای زبان فارسی را در وهلهٔ اول در نوع وندهایی دانست که در این دو گونه به کار رفته‌اند.<sup>۱</sup> یکی از نکات جالب توجه در بین داده‌های گونهٔ علمی حضور وندهایی است که گفته می‌شود در زبان فارسی امروز منسوخ شده‌اند و دیگر زایا نیستند. برای مثال می‌توان به دو وند «-ند» در واژه «سازند» و «پاد-» در واژه‌های «پادمتقارن»، «پادنهشت»، و «پادماده» اشاره کرد.<sup>۲</sup> پس از بررسی وندهای مربوط به هر کدام از گونه‌های مورد مطالعه، حال جای آن دارد تا

<sup>۱</sup> ذکر این نکته در اینجا لازم است که تقسیم‌بندی به دست داده شده از وندهای اشتقاقی فعال در دو گونهٔ مورد مطالعه به این معنی نیست که وندهای مربوط به یک گونه هرگز در گونهٔ دیگر کاربردی ندارند، بلکه این مشاهدات صرفاً محدود به داده‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر است و لذا این احتمال وجود دارد که برخی از وندهای گونهٔ علمی -مانند «-گر»، «-بان»، «-مند» و غیره- در گونهٔ محاوره‌ای زبان فارسی نیز کاربردی هر چند ناچیز داشته باشند.

<sup>۲</sup> حضور وندهای این‌چنینی در بین واژه‌های مشتق گونهٔ علمی و عدم حضور آن در گونهٔ محاوره‌ای را شاید بتوان ناشی از این امر دانست که در گونهٔ علمی زبان فارسی محققان، مؤلفان و زبان‌شناسان دست به واژه‌سازی می‌زنند و از آنجایی که ایشان افراد آشنایی با گذشته‌های زبان فارسی هستند، به هنگام جستجوی معادلی برای یک واژه بیگانه، گاه از ابزارهای واژه‌سازی دوره‌های گذشته زبان فارسی استفاده کرده و وند یا ریشه‌ای را از آن دوره انتخاب می‌کنند و در ساخت واژه



نگاهی به وندهای مشترک بین دو گونه بیندازیم تا مشخص شود این دسته از وندها در دو گونه مختلف تا چه حد عملکرد یکسانی دارند. برای این منظور در ابتدا نگاهی به مقوله نحوی محصولات این وندها در دو گونه می‌اندازیم. بررسی مقوله‌های نحوی واژه‌های مشتق حاصل از افزوده شدن ۱۱ وند مذکور در جدول شماره (۱) ارائه شده است:

جدول شماره (۱) مقوله نحوی واژه‌های مشتق از وندهای مشترک در دو گونه

وندها	گونه زبانی	صفت	اسم	قید
«ی»	محاوره‌ای	٪۵۷/۶۴	٪۳۰/۵۸	٪۱۱/۷۶
	علمی	٪۷۲/۵۱	٪۲۷/۴۸	۰
«ه»	محاوره‌ای	٪۵۶/۲۵	٪۳۱/۲۵	٪۱۲/۵
	علمی	٪۳۳/۳۳	٪۶۶/۶۶	۰
«ک»	محاوره‌ای	۰	٪۱۰۰	۰
	علمی	۰	٪۱۰۰	۰
«گاه»	محاوره‌ای	۰	٪۱۰۰	۰
	علمی	۰	٪۱۰۰	۰
«ا»	محاوره‌ای	٪۵۰	٪۵۰	۰
	علمی	٪۵۰	٪۵۰	۰
«نده»	محاوره‌ای	٪۱۰۰	۰	۰
	علمی	٪۱۰۰	۰	۰

وندها	گونه زبانی	صفت	اسم	قید
«ور»	محاوره‌ای	۰	٪۱۰۰	۰
	علمی	٪۱۰۰	۰	۰
«مان»	محاوره‌ای	۰	٪۱۰۰	۰
	علمی	۰	٪۱۰۰	۰
«بی»	محاوره‌ای	٪۱۰۰	۰	۰
	علمی	٪۱۰۰	۰	۰
«بر»	محاوره‌ای	٪۱۰۰	۰	۰
	علمی	۰	٪۱۰۰	۰
«باز»	محاوره‌ای	۰	٪۱۰۰	۰
	علمی	۰	٪۱۰۰	۰

همان‌گونه که در جدول فوق نیز نشان داده شده است به ترتیب وندهای «ک»، «گاه»، «ی»، «نده»، «مان»، «بی» و «باز» عملکرد یکسانی در دو گونه از خود نشان داده‌اند و محصولی که از طریق افزوده شدن این وندها به پایه‌های واژگانی حاصل آمده است در دو گونه یکسان می‌باشد. اما ۴ وند دیگر شرایط متفاوتی دارند. ٪۱۱/۷۶ واژه‌های مشتقی که در گونه محاوره‌ای به کمک پسوند «ی» ساخته شده‌اند از نوع «قید» هستند اما در گونه علمی هیچ قیدی به وسیله پسوند «ی» ساخته نشده است. واژه‌های «اتفاقی» و «تصادفی» نمونه‌هایی از این دست هستند. همچنین ٪۱۲/۵ واژه‌هایی که در گونه محاوره‌ای به کمک پسوند «ه» ساخته شده‌اند از نوع «قید» هستند اما در گونه علمی هیچ قیدی به وسیله این وند ساخته نشده است. برای پسوند «ه» در گونه محاوره‌ای می‌توان قید «خزیده» را به عنوان نمونه ذکر کرد. تفاوت‌هایی از این دست را می‌توان در بین واژه‌های حاصل از افزوده شدن وندهای «ور» و «بر» نیز مشاهده نمود. حاصل عملکرد پسوند «ور» در گونه

جدید از آن بهره می‌جویند. در مقابل از آنجایی که گونه محاوره‌ای زبان فارسی زبان عامه مردم است و طبیعتاً مردم عامه اطلاعات زبان‌شناختی کافی درباره گذشته زبان خود ندارند لذا به هنگام واژه‌سازی دسترسی به وندها، و یا ریشه‌های منسوخ فارسی را ندارند.

محو‌ره‌ای «اسم» می‌باشد - به عنوان نمونه «جانور» - در صورتی که همین پسوند در گونه علمی «صفت» به دست داده است - به عنوان نمونه «بارور»؛ و بالاخره حاصل عملکرد پیشوند «بر-» در گونه محاوره‌ای «صفت» بوده است - به عنوان نمونه «برقرار» - اما همین پیشوند در گونه علمی تنها «اسم» به دست داده است - مانند «برآورد».

در بین پسوندهایی که در دو گونه مقوله‌های نحوی یکسانی به دست داده‌اند پسوند «\_نده» در گونه محاوره‌ای تنها به بن مضارع اضافه شده و «صفت» به دست داده است - مانند «درخشنده» - اما در گونه علمی علاوه بر بن مضارع به فعل امر نیز اضافه شده و «صفت» ساخته است - مانند «بازدارنده». همچنین پسوند «\_مان» که در گونه محاوره‌ای تنها همنشین بن مضارع بوده و از این رهگذر اسمی مانند «چایمان» به دست داده است، در گونه علمی علاوه بر همنشینی با بن مضارع به بن ماضی نیز اضافه شده و مقوله «اسم» را ساخته است - مانند «ساختمان».

با استناد به جدول شماره (۱) می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که فرایند اشتقاق نه تنها تمایل دارد در هر کدام از دو گونه محاوره‌ای و علمی وندهای مربوط به آن گونه را به کار گیرد بلکه وندهایی هم که مشترکاً در هر دو گونه به کار رفته‌اند، علی‌رغم وجود برخی شباهت‌ها در عملکرد تعدادی از آنها، عیناً مثل هم نقش‌آفرینی نمی‌کنند و همین امر نشان دهنده تفاوت این فرایند به لحاظ نوع و حوزه کاربرد آن در دو گونه است. پس از بررسی عملکرد وندهای مشترک دو گونه در سطح مقوله‌های دستوری، در ادامه عملکرد این وندها را در سطح زیرمقوله‌های دستوری نیز بررسی می‌کنیم.

برای این منظور از نظام معنایی لیبر (۲۰۰۴) که رفیعی (۱۳۸۷) - با اعمال برخی تغییرات - آن را در توصیف پسوندافزایی اشتقاقی زبان فارسی به کار برده است، استفاده می‌کنیم. رفیعی (۱۳۸۷) زیرمقوله‌های واژگانی را با استفاده از ۳ مؤلفه معنایی با ارزش‌های مثبت و منفی در قالب جدولی به دست می‌دهد، و آنگاه اسکلت معنایی پسوندهای زبان فارسی و حوزه عملکردشان را به کمک آن تعیین می‌کند.

ما نیز در اینجا با الگوبرداری از این روش، اسکلت معنایی و حوزه معنایی وندهای به کار رفته در واژه‌های مورد مطالعه را تعیین خواهیم کرد. جدول شماره (۲) اسکلت معنایی وندهای اشتقاقی دو گونه علمی و محاوره‌ای مورد بررسی در این پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲) اسکلت معنایی وندهای اشتقاقی دو گونه علمی و محاوره‌ای

مؤلفه‌های معنایی	گونه محاوره‌ای	گونه علمی
و:	[+ فضا]	
	[- فضا]	
	[+ فضا، + پویا]	«بـ»، «هـ»
	[+ فضا، + پویا]	«ی»، «کـ»، «اُ»
	[- فضا، + پویا]	
	[- فضا، - پویا]	
صفت:	[+ فضا]	«گین»
	[- فضا]	
	[+ فضا، + پویا]	«ی»، «نـ»، «و»، «گر»، «بان»
	[+ فضا، - پویا]	«وا»، «فرا»، «هم»، «پاد»، «ی»، «هـ»، «ا»، «نـ»، «د»، «ور»، «دین»، «وار»، «مند»، «گن»، «گانه»
	[- فضا، + پویا]	
	[- فضا، - پویا]	«ی»، «نا»
اسم:	[+ ماده]	«دول»، «ی»، «هـ»، «ک»، «ور»
	[- ماده]	«ی»
	[+ ماده، + پویا]	
	[+ ماده، - پویا]	«باز»، «چی»، «کـ»
	[- ماده، - پویا]	«در»، «ی»، «ا»، «دیت»، «ک»، «مان»
	[- ماده، + فضا]	«ی»
	[- ماده، - فضا]	
	[+ ماده، - فضا]	
	[+ ماده، + فضا]	«در»، «ی»، «گاه»، «دان»
	[- ماده، + پویا]	«بر»، «فرا»، «فر»، «ی»، «هـ»، «مان»، «ش»

حال با توجه به جدول فوق وندهای متعلق به زیرمقوله‌های سه مقوله عمده قید، صفت، و اسم را به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بین وندهایی که حاصل عملکردشان مقوله نحوی قید است، خانه [+ فضا، - پویا] هم در گونه علمی (به وسیله ۱ پسوند) و هم در گونه محاوره‌ای (به وسیله ۳ پسوند) اشغال شده است، اما در خانه [+ فضا، + پویا] تنها وندهای گونه محاوره‌ای (۱ پیشوند و ۱ پسوند) مشاهده می‌شود. برای اسکلت معنایی [+ فضا، - پویا] در بین قیده‌ها می‌توان به واژه‌هایی همچون «اتفاقی»، «دروغکی» و «اصلیتاً» در گونه محاوره‌ای و «داوطلبانه» در گونه علمی اشاره کرد. همچنین برای اسکلت معنایی [+ فضا، + پویا] نیز

می‌توان واژه‌های «بکوب» و «خزیده» را از گونه محاوره‌ای شاهد آورد. خالی بودن خانه [+فضا، +پویا] در گونه علمی و چهار خانه [+فضا]، [-فضا]، [-پویا] و [-فضا، -پویا] در هر دو گونه مزبور بیانگر این موضوع است که در بین داده‌های مورد بررسی هیچ‌وندی با این اسکلت‌های معنایی در دو گونه مشاهده نشد.

همچنین در بین وندهایی که حاصل عملکردشان مقوله نحوی صفت است خانه‌های سوم، چهارم و ششم به وسیله وندهای هر دو گونه پر شده است. این در حالی است که در خانه اول تنها ۱ پسوند از گونه علمی مشاهده می‌شود و این خانه در گونه محاوره‌ای خالی است. به همین ترتیب خانه سوم به وسیله ۵ وند (۱ پیشوند و ۴ پسوند) از گونه محاوره‌ای و ۴ پسوند از گونه علمی، خانه چهارم به وسیله ۶ وند (۲ پیشوند و ۴ پسوند) از گونه محاوره‌ای و ۱۴ وند (۴ پیشوند و ۱۰ پسوند) از گونه علمی و بالاخره خانه ششم به وسیله ۱ پیشوند از گونه محاوره‌ای و ۲ پیشوند از گونه علمی پر شده است. برای خانه [+فضا] می‌توان صفت «میانگین» را از گونه علمی شاهد آورد. همچنین برای خانه [+فضا، +پویا] نیز می‌توان به عنوان نمونه به صفاتی چون «بن»، «دعوی»، «بُرا»، «درخشنده» و «اخمو» از گونه محاوره‌ای، و «رقابتی»، «کوچنده»، «کنش‌گر» و «پشتیبان» از گونه علمی اشاره کرد. به همین ترتیب برای اسکلت معنایی [+فضا، -پویا] نیز می‌توان صفات «باکلاس»، «برقرار»، «آتشی»، «خپله»، «پولکی» و «چاقالو» را از گونه محاوره‌ای و «واگرا»، «فراگیر»، «هم‌گرا»، «پادمقارن»، «اخلاقی»، «گسترده»، «دارا»، «فزاینده»، «بارور»، «سنگین»، «راستوار»، «هوشمند»، «همگن» و «دوگانه» را از گونه علمی به عنوان نمونه مطرح کرد. همان‌طور که رفیعی (۱۳۸۷: ۹۸) نیز در مقاله خود اشاره می‌کند تمامی صفاتی که در زبان فارسی دارای مؤلفه [-فضا] هستند محصول اشتقاق پیشوندی می‌باشند، بنابراین برای اسکلت معنایی [-فضا، -پویا] در هر دو گونه زبان فارسی نیز پیشوندهای زبان فعال خواهند بود. نمونه‌هایی مانند «بی‌کلاس» و «بی‌پیر» برای گونه محاوره‌ای و «بی‌معنا» و «ناخالص» برای گونه علمی قابل ذکرند. خالی بودن خانه‌های دوم و پنجم نیز حاکی از این است که هیچ‌پسوندی با اسکلت معنایی [-فضا] و [-فضا، +پویا] در دو گونه مشاهده نشد.

در بین وندهایی که حاصل عملکردشان مقوله نحوی اسم است خانه‌های اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم، نهم و دهم به وسیله وندهای دو گونه اشغال شده است. به این صورت که خانه اول با ۵ پسوند از گونه محاوره‌ای و ۷ وند (۱ پیشوند و ۶ پسوند) از گونه علمی، خانه دوم با ۱ پسوند از گونه محاوره‌ای و ۴ پسوند از گونه علمی، خانه چهارم به وسیله ۳ وند (۱ پیشوند

و ۲ پسوند) از گونه محاوره‌ای و ۱ پیشوند از گونه علمی، خانه پنجم به وسیله ۶ وند (۱ پیشوند و ۵ پسوند) از گونه محاوره‌ای و ۷ پسوند از گونه علمی، خانه ششم به وسیله ۱ پسوند از گونه محاوره‌ای و ۱ پسوند از گونه علمی، خانه نهم به وسیله ۴ وند (۱ پیشوند و ۳ پسوند) از گونه محاوره‌ای و ۱ پسوند از گونه علمی و بالاخره خانه دهم به وسیله ۲ پسوند از گونه محاوره‌ای و ۷ وند (۳ پیشوند و ۴ پسوند) از گونه علمی پر شده است. خالی بودن خانه‌های سوم، هفتم و هشتم از مقوله نحوی اسم بیانگر این موضوع است که هیچ پسوندی با اسکلت معنایی [+ماده، +پویا]، [-ماده، -فضا] و [+ماده، -فضا] در دو گونه مشاهده نشده است. به ترتیب برای اسکلت معنایی [+ماده] می‌توان به واژه‌های «پنجول»، «چربی»، «برگه»، «جگرک» و «جانور» از گونه محاوره‌ای و «پادماده»، «ساختمان»، «تخمک»، «جداره»، «مغزی»، «حبایچه» و «تاقدیس» از گونه علمی، برای اسکلت معنایی [-ماده] می‌توان به واژه «خروجی» از گونه محاوره‌ای و «پزشکی»، «چارک»، «آماره»، و «طرح‌واره» از گونه علمی، برای اسکلت معنایی [+ماده، -پویا] می‌توان به واژه‌های «بازنشست»، «استفاده‌چی» و «جگرکی» از گونه محاوره‌ای و «بازرس» از گونه علمی، برای اسکلت معنایی [-ماده، -پویا] می‌توان به واژه‌های «دررفت»، «بدهی»، «خنکا»، «خوبیت»، «خارشک» و «چایمان» از گونه محاوره‌ای و «پهنا»، «دیدگاه»، «روشنایی»، «ارزش»، «ساختار»، «سازند» و «خانوار» از گونه علمی، برای اسکلت معنایی [+ماده، +فضا] می‌توان به واژه «چهلیم» از گونه محاوره‌ای و «کودکی» از گونه علمی، برای اسکلت معنایی [+ماده، +فضا] می‌توان به واژه‌های «دررو»، «انباری»، «دادگاه» و «آشغال‌دان» از گونه محاوره‌ای و «زیستگاه» از گونه علمی و بالاخره برای اسکلت معنایی [+ماده، +پویا] می‌توان به واژه‌های «پذیرایی» و «تقه» از گونه محاوره‌ای و «برآورد»، «فراگویی»، «فرگشت»، «مادری»، «چرخه»، «زایمان» و «پردازش» از گونه علمی به عنوان نمونه اشاره کرد. طبق جدول فوق مشاهده می‌شود که به جز دو مورد (پیشوندهای «ب-»، «ه-» و پسوند «-ی»)، تمام خانه‌هایی که به وسیله وندهای یکی از دو گونه پر شده‌اند وندهای گونه دیگر نیز در آن خانه حضور دارند. این امر مؤید این مطلب است که نظام واژه‌سازی اشتقاقی در دو گونه مورد بررسی در سطح زیرمقوله‌های دستوری تفاوت چندانی باهم ندارند، چرا که در هر دو گونه واژه‌هایی با اسکلت معنایی یکسان ساخته می‌شوند. وجه تفاوت عملکرد آنها در نوع وندهای به کار رفته است. به عبارت دقیق‌تر، فرایند اشتقاق در دو گونه مورد مطالعه برای ساخت واژه‌هایی با اسکلت معنایی یکسان تمایل به استفاده از وندهای متفاوتی دارد.

حال نگاهی می‌اندازیم به ۱۱ وندی که در هر دو گونه واژه‌سازی کرده‌اند تا معلوم شود آیا تفاوتی بین این وندها در سطح زیرمقوله‌های دستوری وجود دارد یا خیر. برای این منظور و برای سهولت کار زیرمقوله‌های وندهایی که مشترکاً در هر دو گونه حضور دارند را به صورت جداگانه در جدول شماره (۳) نمایش می‌دهیم:

جدول شماره ۳) اسکلت معنایی وندهای اشتقاقی به کار رفته در هر دو گونه علمی و محاوره‌ای

گونه زبانی	«یا»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	«و»	مؤلفه‌های معنایی
م	ع											[+ فضا]
												[+ فضا]
												[+ فضا، + پویا]
												[+ فضا، - پویا]
												[- فضا، + پویا]
												[- فضا، - پویا]
												[+ فضا]
												[- فضا]
												[+ فضا، + پویا]
												[+ فضا، - پویا]
												[- فضا، + پویا]
												[- فضا، - پویا]
م	ع											[+ فضا]
												[+ فضا]
												[+ فضا، + پویا]
												[+ فضا، - پویا]
												[- فضا، + پویا]
												[- فضا، - پویا]
												[+ فضا]
												[- فضا]
												[+ فضا، + پویا]
												[+ فضا، - پویا]
												[- فضا، + پویا]
												[- فضا، - پویا]
م	ع											[+ ماده]
												[+ ماده]
												[- ماده]
												[+ ماده]
												[- ماده]
												[+ ماده]

مؤلفه‌های معنایی	گونه زبانی	بَر	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ	بَرِ
[+ ماده، + پویا]	م														
	ع														
[+ ماده، - پویا]	م		√												
	ع		√												
[- ماده، - پویا]	م				√	√	√			√					
	ع				√			√		√					
[- ماده، + فضا]	م									√					
	ع										√				
[- ماده، - فضا]	م														
	ع														
[+ ماده، - فضا]	م														
	ع														
[+ ماده، + فضا]	م							√		√					
	ع							√							
[- ماده، + پویا]	م								√	√					
	ع	√					√		√	√					

همان‌طوری که مشاهده می‌شود پسوندهای مشترک دو گونه در برخی مواقع عملکردهای متفاوتی دارند. برای مثال پسوند «ی» تنها در گونه علمی زبان فارسی دارای اسکلت معنایی [- ماده، + فضا] است و نوع محاوره‌ای آن فاقد این اسکلت می‌باشد. برای این اسکلت معنایی می‌توان به واژه «کودکی» اشاره کرد. در مقابل تنها گونه محاوره‌ای این پسوند است که دارای اسکلت معنایی [+ ماده، + فضا] می‌باشد و گونه علمی آن فاقد این اسکلت است. برای این اسکلت معنایی نیز می‌توان به واژه «انباری» اشاره کرد. به عنوان مثالی دیگر در تایید عملکرد متفاوت برخی از وندهای مشترک بین دو گونه می‌توان به عملکرد پیشوند «بر-» اشاره کرد؛ این پیشوند تنها در گونه محاوره‌ای از اسکلت معنایی [+ فضا، - پویا] برخوردار است، مانند واژه «برقرار». پیشوند مذکور در گونه علمی دارای اسکلت معنایی [- ماده، + پویا] می‌باشد، مانند «برآورد». وضعیت مشابه آنچه درباره دو پسوند اخیر گفته شد را درباره وندهای «- نده»، «- مان»، «- گاه»، «- ک»، «- ه»، «- ور» و «- ا» نیز شاهد هستیم.<sup>۱</sup> مقایسه

<sup>۱</sup> نمونه‌های مربوط به این وندها پیش‌تر به هنگام تشریح جدول شماره ۲ ذکر شده‌اند، لذا از طرح مجدد آنها در اینجا خودداری می‌شود.

وندهای مشترک دو گونه در سطح زیرمقوله‌های دستوری نیز حاکی از تفاوت عملکرد قابل ملاحظه‌ای در بین آنهاست. به طوری که بسیاری از وندهایی که در دو گونه مورد بررسی مشترکاً حضور دارند گرچه به لحاظ صوری عیناً مثل هم هستند اما از آنجایی که اسکلت معنایی متفاوتی دارند در واقع می‌توانند دو وند متفاوت در نظر گرفته شوند. با قرار دادن اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب جدول شماره (۴) به وضوح می‌توان تفاوت عملکرد اشتقاقی را در دو گونه علمی و محاوره‌ای زبان فارسی در یک نمای کلی مشاهده کرد.

جدول شماره ۴) جایگاه تمامی وندهای اشتقاقی به کار رفته در دو گونه

اسم (چیز / ماده / جوهر)	صفت (ویژگی چیز / ماده / جوهر)	قید (ویژگی وضعیت)
[+ماده] {چه، دیس، پاد، مان} - {ول} Δ {ور} - {ی، ه، ک}	[+ فضا] {گین}	[+ فضا]
[-ماده] {ی} - {واره} {ک، ه}	[- فضا]	[- فضا]
[+ ماده، + پویا]	[+ فضا، + پویا] {ب، و} - {ا} {گر، جان} - {ی، نده} Δ	[+ فضا، + پویا] {ه} - {ب}
[+ ماده، - پویا] {چی، کی} - {باز}	[+ فضا، - پویا] {ا، نده، ور} - {بر، باب، کی} - {الو} - {ی، ه} {وا، فرا، هم} - پاد - ین، - وار، - مند، - گن، - گانه	[+ فضا، - پویا] {کی، ا} - {ی} - {انه}
[- ماده، - پویا] {درب، بیت} - {ک، مان} - {گاه} - {ش، - ار، نند، - وار} - {ی، ا}	[- فضا، - پویا] {نا} - {بی}	[- فضا، - پویا]
[- ماده، - فضا] {م} - {ی}	[- فضا، + پویا]	[- فضا، + پویا]
[+ ماده، + فضا] {درب - دان} - {ی} - {گاه}	○ وندهای گونه علمی ● وندهای مشترکی که تنها در گونه علمی واجد اسکلت معنایی خانه‌ای است که در آن حضور دارد. △ وندهای گونه محاوره‌ای ▲ وندهای مشترکی که تنها در گونه محاوره‌ای واجد اسکلت معنایی خانه‌ای است که در آن حضور دارد. نبود علامت بر روی وندها معرف وندهای مشترکی است که در هر دو گونه واجد اسکلت معنایی خانه‌ای است که در آن حضور دارد.	
[- ماده، + پویا] {ی، ه} - {بر، مان} - {فرا، فر، ش}		



#### ۴- جمع‌بندی

در این بخش جمع‌بندی نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده به دست داده می‌شود. پس از تعیین نوع فرایندهای دخیل در ساخت واژه‌های استخراج شده مشخص شد که ۶۱/۸۵٪ از واژه‌های گونه علمی حاصل فرایند واژه‌سازی اشتقاق است. در مقابل تنها ۳۰/۵۵٪ واژه‌های گونه محاوره‌ای از نوع مشتق می‌باشند.

در مورد تعداد و نوع وندهای به کار رفته نیز مشخص شد که برای ساخت ۱۶۵ واژه مشتق گونه محاوره‌ای مجموعاً ۲۳ وند اشتقاقی به کار رفته است که ۶ مورد آن پیشوند و ۱۷ مورد دیگر پسوند می‌باشند. پس از بررسی داده‌های گونه علمی نیز مشخص گردید که در این گونه مجموعاً ۳۲ وند برای اشتقاق ۳۳۴ واژه مشتق به کار رفته که از این جمع ۹ مورد پیشوند و ۲۳ مورد پسوند می‌باشند. از مجموع ۵۵ وندی که در دو گونه واژه‌سازی کرده‌اند تنها ۱۱ وند (اعم از پیشوند و پسوند) در هر دو گونه کاربرد داشته‌اند.

در ادامه عملکرد وندهای مشترک بین دو گونه مد نظر قرار گرفت تا میزان شباهت و تفاوت عملکرد آنها مشخص شود. در گام اول و در سطح مقوله‌های دستوری مشخص شد که موارد زیادی از این وندها عیناً مثل هم عمل نمی‌کنند. به عنوان نمونه پسوند «-ور» رفتاری کاملاً متفاوت در دو گونه دارد به طوری که در گونه علمی صرفاً اسم و در گونه محاوره‌ای صرفاً صفت به دست می‌دهد.

مقایسه وندهای به کار رفته در دو گونه در سطح زیرمقوله‌های دستوری نیز نشان از وجود تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. نتیجه حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که وندهای به کار رفته در دو گونه در موارد متعددی صرفاً دارای شباهت صوری هستند و از اسکلت معنایی و حوزه‌های عملکرد متفاوتی برخوردارند.

با در نظر گرفتن تفاوت‌های فوق‌الذکر شاید بتوان مدعی شد که نظام واژه‌سازی گونه علمی - دست کم در فرایند اشتقاق - تمایل به داشتن و استفاده از ساز و کارهایی دارد که ویژه این گونه و متفاوت از ساز و کارهای گونه محاوره‌ای می‌باشد. امری که در تلاش برای تقویت گونه علمی زبان فارسی می‌بایست مدنظر قرار گیرد.

#### منابع

آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی جمعیت (نمونه ایران)*، چاپ دوم، اصفهان، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران، سخن.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲). استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی. *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*، صص ۲۲۳-۲۳۵. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۹). واژه‌سازی درون متن، یک علاج قطعی. *نشر دانش*، س ۱۷، ش ۱: ۲۷-۳۱.
- حیدریان، مصطفی (۱۳۷۰). *مبانی فیزیکی رادیولوژی و متدهای تصویربرداری*، مشهد، انتشارات بنیاد فرهنگی رضوی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، ویراست دوم، تهران، سمت.
- رفیعی، عادل (۱۳۸۶). نگاهی به عملکرد معنایی پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رفیعی، عادل (۱۳۸۷). پسوندافزایی اشتقاقی در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان: ویژه‌نامه دستور*، ش ۴: ۶۹-۱۰۴.
- زارع مایوان، حسن (۱۳۷۹). *زیست‌شناسی عمومی*، تهران، سمت.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۹). *مدیریت فراملیتی و جهانی: نگرش تطبیقی*، تهران، سمت.
- سمائی، سیدمهدی (۱۳۸۵). یای نسبت در زبان علم و زبان عامیانه. *فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، دوره ۸، ش ۲: ۲۲۰-۲۳۰.
- صیرفیان، علی (۱۳۸۶). *زمین‌شناسی نفت*، چاپ اول، تهران، سمر.
- عباسی، مجید (۱۳۹۰). مقایسه فرایندهای واژه‌سازی در گونه علمی و گونه محاوره‌ای زبان فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گندمی، ابوالفضل (۱۳۸۴). *آمار کاربردی*، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
- محمدی‌حسن‌آبادی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *جبر*، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مسعودکی‌نیا، امیر (۱۳۷۰). *آنالیز و طراحی سازه‌های بتن‌آرمه*، چاپ سوم، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی صنعتی اصفهان.
- هوشمند، رحمت‌الله (۱۳۸۸). *طراحی پست‌های فشار قوی*، چاپ دوم، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- Lieber, R. 2004. *Morphology and lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press